

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّهِمْ نَارًا كَمَا نَصَّجَتْ
 جُلُودُهُمْ بَدَلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ
 كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿٥٦﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا
 لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا ﴿٥٧﴾ إِنَّ
 اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ
 النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا
 بَصِيرًا ﴿٥٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ
 وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ
 كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٥٩﴾
 أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا بِمَا أُنزِلَ
 إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى
 الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ
 يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿٦٠﴾



درس اول

خلافت و حکومت اسلامی پس از رسول خدا ﷺ



نگاهی همراه با وداع

انس ابن مالک رضی الله عنه می گوید :

روز چهارم بیماری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، نماز جماعت صبح به امامت ابوبکر صدیق رضی الله عنه برپا گردید؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرده آن در را، که از منزلشان به مسجد باز می شد، کنار زد؛ به صفوف نمازگزاران نگاه کرد و با تبسمی شیرین پرده را انداخت. سپس به مسجد آمد و به ابوبکر صدیق اقتدا کرد. این آخرین باری بود که مسلمانان، رسول الله را در مسجد دیدند و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز صف نمازگزاران را دید؛ گویی با نگاه پرمهرش با مسلمانان خداحافظی می کرد. پس از این دیدار، آن بزرگوار در آخرین لحظات عمرش از شدت تب چهره مبارکش را با آب خیس می کرد و می فرمود : «لااله الا الله، به راستی مرگ را سختی هایی است». سرانجام، روح مبارک پیامبر مهربانی ها از بدنشان خارج شد و ایشان در چاشتگاه روز دوشنبه ۱۲ ربیع الاول سال یازدهم هجری وفات یافت. وقتی خبر وفات پیامبر رحمت منتشر شد، در همان ساعات اولیه مردم در مورد انتخاب جانشین او شروع به رایزنی و مشاوره کردند. بی شک، اولویت دادن به انتخاب جانشین برای رهبری جامعه

مسلمین قبل از خاک سپاری پیامبر مهر و عدالت، گامی بزرگ و مهم و اقدامی پیشرفته بود که اهمیت حکومت اسلامی و وجود حاکم برای اداره امور مردم را در قالب رأی جمعی صحابه نشان می داد و بر این نکته تأکید داشت که جامعه نباید لحظه ای از حاکم و حکومت خالی باشد؛ چون بنا به فرموده خداوند در قرآن کریم، اطاعت از حاکم اسلامی لازم و ضروری است.^۱

<p>ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را اطاعت کنید، و از پیامبر پیروی کرده و صاحبان امرتان را [که از خود شما هستند] اطاعت نمایید و اگر در چیزی اختلاف کنید آن را به خدا و پیامبر بازگردانید [یعنی به قرآن و سنت مراجعه کنید] اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید. این [کار] برای شما بهتر است و سرانجام نیکوتری دارد. آیا اندیشه و نگاه نکرده ای به کسانی که گمان می کنند به آنچه بر تو نازل شده و همچنین به آنچه پیش از تو نازل گشته ایمان دارند؟ اینها در عین این گمان می خواهند داوری اختلاف هایشان را به سرکشان عرضه کنند؛ در حالی که به آنها امر شده که طاعت را انکار کنند و این در حالی است که شیطان می خواهد آنها را به گمراهی دور و درازی بکشاند.</p>	<p>«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَ قَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَ يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا»^۲</p>
---	---

۱- خلفاء الراشدين من الخلافة الى الشهادة، اثر صلاح عبدالفتاح الخالدي و همچنین از کتاب های منبع به صحیح بخاری ۲۵۶، ۴۴۴۹ و ۴۴۵۰ مراجعه شود.

۲- «اولی» جمع ذو، ذی، یعنی صاحب؛ «امر» به معنی کار، پس «أُولِي الْأَمْرِ» یعنی صاحبان کار مسلمانان، کسانی که امورات مسلمانان را به عهده دارند. در عقیده علمای اسلامی به کسانی که توان رفق و فتق یعنی بستن و باز کردن و حل و فصل امورات مسلمانان را دارند اولی الامر می گویند. اولی الامر از دیدگاه اهل سنت دو جنبه است: یکی جنبه علمی که می شود عالمان و دیگری جنبه اقتداری و حکومت که می شود حکام؛ گاهی عالم و حاکم یکی است. البته کسانی که خداوند امر کرده است از آنها اطاعت کنیم با این ضابطه است که امر و نهی آنها خارج از تعالیم کتاب و سنت نباشد بلکه در راستای کتاب و سنت باشد.

۳- سورة نساء، آیات ۵۹ و ۶۰

- در آیات ۵۹ و ۶۰ سوره نساء تدبیر کنید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.
- ۱- با توجه به آیه ۵۹ چرا بعد از نام خدا و پیامبر ﷺ، نام اُولی الامر ذکر شده است؟
 - ۲- با تدبیر در دو آیه مورد نظر، بنویسید کدام واژگان آنها به مسئله خلافت اشاره دارد.

گاهی سؤال می‌شود که آیا پس از رسول خدا ﷺ نیازی به حکومت اسلامی هست و آیا بدون وجود حکومت، احکام خداوند اجرا می‌شود؟

با توجه به این امر مهم که دین در پی تأمین سعادت فرد و جامعه برای تمام عمر بشریت در این کره خاکی است و نظر به اینکه مقاصد و اهداف شریعت با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند، می‌توان مهم‌ترین دلایل تشکیل حکومت اسلامی پس از رحلت پیامبر ﷺ را این‌گونه خلاصه کرد:

۱- اجرای احکام الهی و تحقق اهداف والای اسلام در چارچوب قانون

رسول الله ﷺ حکومت اسلامی را تشکیل داد تا در سایه حکومتی مشروع به اهداف دین خدا جنبه عملی دهد و آنها را از حالت آرزو و فکر به مرحله عمل و اجرا در آورد. روشن است که بعد از ایشان هم احکام الهی باید اجرا شوند تا جاودانگی این راه پاک به شکل عملی تحقق پذیرد.

امروزه در غرب آزادی‌هایی به نام آزادی فردی چنان مقبولیت یافته‌اند که امنیت اجتماعی به خطر افتاده است. احکام فردی می‌تواند شامل چنین مواردی شود؛ مثلاً مستی، در ابتدا می‌تواند فقط حکمی فردی به حساب آید اما وقتی عریده‌کشی و بسیاری پیامدهای ناخوشایند دیگر دارد، از حالت حکم فردی خارج می‌شود. اعتیاد به مواد مخدر و اقدام به خودکشی یا خودآزاری هم می‌توانند از مصادیق و موارد احکام فردی باشند. در اسلام این‌گونه مسائل حتی در صورت فردی، روا نیستند و در صورت ارتباط با حقوق دیگران، بیشتر منع می‌شوند.

می‌دانیم که دین اسلام مجموعه‌ای از احکام فردی و اجتماعی را در خود دارد و این احکام (به خصوص نوع اجتماعی آنها) بدون وجود حکومت، امکان اجرا ندارد. پرداخت زکات، رسیدن به حقوق خانوادگی و مالی مردم و نیز جلوگیری از جرم و جنایت و مجازات متجاوزان به حقوق انسان‌ها و برخورد صحیح با دزدان و اختلاسگران و... همه و همه به اقتدار نیاز دارد. برقراری این اقتدار برعهده حکومت است. حکومت اسلامی در صورت همدلی و همراهی اقشار مختلف جامعه با محتوا

و ساختار مطلوبش، بهتر می‌تواند این نیازهای انسانی را برطرف کند و تحقق این امر بدون همکاری و همدلی مردم امکان‌پذیر نیست.

همچنین اهداف والای اسلام، مثل عدالت و ترویج خیر و خوبی و جلوگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی، اجرای احکام قضایی، اقتصادی و سیاسی به قانون نیازمند است. از طرف دیگر، قانون هم ادله و پشتوانهٔ موجهی می‌خواهد و همهٔ اینها به تکیه‌گاه محکمی نیاز دارد. این تکیه‌گاه محکم همان خلافت اسلامی است که با شورا و نظارت مردمی، دین خدا را به گونه‌ای مطلوب اجرا می‌کند.

۲- خوشبختی و خشنودی همگان

حکومت دینی پیامبر اسلام ﷺ یک ویژگی دارد که با آن می‌تواند ناهنجاری‌های اجتماعی را بهتر از سایر حکومت‌ها اصلاح کند و اوضاع را سر و سامان دهد. این ویژگی، تلاش برای تطبیق و اجرای دین است. خداوند رحمتی عمومی نسبت به تمام بندگان دارد و همه را به خیر و صلاح و سعادت دعوت می‌کند. مثلاً در زمان پیامبر گروهی این دعوت عمومی را می‌پذیرفتند و گروهی پذیرای آن نمی‌شدند، اما منتقدان و مخالفان دین هم می‌دیدند که حقوقشان به بهترین وجه داده می‌شود. بنابراین، معتقدان با جان و دل و از سر ایمان حکومت را تقویت می‌کردند و غیر معتقدان هم با دیدن عدالت همگانی و سعادت جمعی، مجذوب حکومت اسلامی می‌شدند.

بیشتر بدانیم

عدالت یکی از نیازهای انسان است و انسان‌ها با تمام وجود به وسیلهٔ عدالت آرامش می‌یابند و در سایهٔ آن به آسایش می‌رسند. انسان‌هایی که درونی سالم و فکری پاک دارند، نه تنها اجرای عدالت را در حق خودشان دوست دارند بلکه عملی شدن آن را در حق دیگران نیز ضروری می‌دانند اما افرادی که اخلاق پسندیده ندارند، ممکن است در هر فرصتی برای جلب منافع شخصی، حقوق دیگران را ضایع کنند. آخرین دورهٔ حضور رسولان الهی (دورهٔ ۲۳ ساله رسالت پیامبر) به علت وجود شخص پیامبر و صحابهٔ بزرگوارش، زمان اوج عدالت‌خواهی و دادپروری انسان بوده است. قطعاً این به آن معنا نیست که با مرگ پیامبر و صحابه‌اش انسان به سعادت و عدالت نیاز ندارد. پایبندی به قوانین عادلانه نیاز همیشگی بشر است و قدرت و اقتدار لازمهٔ پایبندی به عدل و داد است. البته صرف اعتقاد به عدالت کارساز نیست بلکه این مجریان عدالت‌اند که از آن دفاع می‌کنند و آن را به اجرا در می‌آورند و اینجاست که وجود حکومت اسلامی الزامی می‌نماید.

ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در جهان امروز

امروزه حکومت‌ها بر مردم تأثیرات عمده‌ای دارند. حکومت‌های لائیک^۱ مردم را از نیازهای ایمانی و روحی انسان دور می‌کنند و حکومت‌های سرمایه‌داری برای جلب بیشتر سرمایه و پول‌گامی مرزهای اخلاقی را زیر پا می‌گذارند و با بی‌توجهی به انسانیت و اخلاق و دین، عملاً جنبه روحی انسان‌ها را به فراموشی می‌سپارند. ممکن است گفته شود که بسیاری از حکومت‌های لائیک و یا سرمایه‌دار در رفع نیازهای مادی مردم موفق‌اند. ما منکر این واقعیت نیستیم اما سخن این است که انسان مانند نمایشگاهی بسیار بزرگ است که بخش جسمی و مادی قسمت ورودی این نمایشگاه بزرگ است، (بنابراین باید رفاه مادی تأمین شود) اما بخش مهم نمایشگاه وجودی انسان، فهم گسترده او از خود و هستی و درک ایمان، عبادت و عرفان است. بنابراین، حکومت اسلامی باید ضمن تأمین رفاه مردم، زمینه شکوفایی بُعد روحانی و معنوی آنان را فراهم کند و آنچه را مربوط به حکومت‌هاست، سروسامان دهد و از آنها حمایت نماید. علاوه بر این، امروزه مسلمانان در صحنه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با مسائل جدیدی چون استفاده از اینترنت و شبکه‌های مجازی، نحوه ارتباط با کشورهای مختلف و نظام‌های سیاسی آنها، ارتباط با سازمان‌های بین‌المللی، پیوند اعضا و ده‌ها مسئله نوظهور دیگر روبه‌رو هستند. رهبران حکومت اسلامی باید بر مبنای اسلام و با مراجعه به قرآن و سنت، این مسائل جدید را حل و فصل کنند؛ به گونه‌ای که برطرف‌کننده نیازهای جدید همه طبقات مختلف انسانی باشند.

بیشتر بدانیم

باید دانست که برخی از مسائلی که امروزه با آن مواجهیم به گونه‌ای با اعتقادات دینی در ارتباط است و نباید آنها را فقط امری علمی تلقی کرد. از جمله این مسائل می‌توان به قضیه پیوند اعضا اشاره کرد. حکم فقهی پیوند اعضا:

شاید کم نباشند افرادی که پیوند اعضای فرد میت را به انسان زنده‌ای که نیازمند است، ناروا می‌دانند. حتی افراد زیادی هم هستند که پیوند اعضای فرد زنده را هم درست نمی‌دانند اما این امر پس از آنکه مجتهدان آن را مورد بررسی فقهی قرار داده‌اند، پذیرفته شده است.^۲ فقها در این مورد این‌گونه استدلال کرده‌اند:

۱- قرآن در سوره مائده کشتن ناحق یک انسان را به مثابه کشتن کل انسان‌ها می‌داند و در مقابل، زنده کردن یک انسان را زنده کردن تمام انسان‌ها می‌داند.^۳

۱- حکومت لائیک حکومتی است که معمولاً در مقابل حکومت دینی مطرح می‌شود. در این‌گونه حکومت‌ها مقوله‌ای به نام دین و افراط روحانی جایگاهی ندارند.

۲- البته به شرط اینکه میت خود قبلاً به این کار اجازه داده باشد یا در موارد ضروری خانواده‌اش رضایت خود را اعلام کنند.

۳- سوره مائده، آیه ۳۲: ... وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا ...؛ و هر کس موجب زنده شدن کسی گردد، گویی تمام مردم را زنده کرده است.

۲- بنای اسلام رفع سختی از زندگی انسان‌ها (به روش صحیح و شرعی) است (فقها این هدف والای دینی را رفع حرج می‌نامند).

در صورت ممنوع دانستن پیوند اعضا، حرج و سختی را در زندگی انسان‌ها روا دانسته‌ایم و این با اهداف و مقاصد شریعت سازگار نیست.

۳- در نهایت، فقها براساس قاعده اضطرار^۱، پیوند عضو از مرده به زنده یا زنده به زنده را روا و جایز دانسته‌اند.

پاسخ به سؤالات شما

استفاده ما از شبکه‌های اجتماعی و اینترنت چه حکمی دارد؟
بنا به نظر علمای معاصر، هر چه که در دنیای واقعی حرام است در دنیای مجازی نیز حرام است و استفاده و دیدن هر چه که در دنیای واقعی حلال است، در دنیای مجازی نیز حلال است.^۲

دانش تکمیلی

با دوستان خود مشورت کنید و ویژگی‌های دیگری را که برای حکومت اسلامی لازم است، مشخص نمایید.

اندیشه و تحقیق

۱- در آیه ۸۳ سوره نساء تفکر کنید و نکاتی را که درباره «اولوالأمر» به دست می‌آورید، استخراج کنید.

۲- از آیه‌های ۱۰۵ سوره نساء و ۴۸ سوره مائده چگونه می‌توان لزوم تشکیل حکومت اسلامی توسط پیامبر را استدلال کرد؟

۱- قاعده اضطرار یکی از قواعد مهم فقه اسلامی است. اصل قاعده این گونه است: «الضرورات تبيح المحظورات»؛ یعنی ضرورت‌ها و تنگناها امور نهی شده را روا می‌کنند. این قاعده از چند آیه و حدیث گرفته شده و خلاصه آن این است که گاهی نیاز و ضرورتی حیاتی یا مهم موجب می‌شود کاری که در شرایط عادی ممنوع است، روا گردد. خوردن گوشت حرام توسط فرد گرسنه‌ای که نزدیک به مرگ است، یکی از مصادیق این قاعده می‌باشد.

۲- به قول فقهای معاصر، كُلُّ مَا لَظَرَ عَلَيْهِ فِي الْوَاقِعِ حَرَامٌ فَالْتَظَرُ إِلَيْهِ عَلَى شَأْنِهِ التَّلَافُزِ وَمَا شَابَهَا حَرَامٌ وَبِالْعَكْسِ.

وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ﴿٣٢﴾ إِنَّ يَشَاءُ يُسَكِّنِ الرِّيحَ

فَيُظِلُّنَ رَوَاكِدَ عَلٰی ظَهْرِهِ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

﴿٣٣﴾ أَوْ يُوَبِّقُهُنَّ بِمَا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ ﴿٣٤﴾ وَيَعْلَمَ الَّذِينَ

يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُمْ مِنْ مَّحِيصٍ ﴿٣٥﴾ فَمَا أَوْتَيْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ

يَتَوَكَّلُونَ ﴿٣٦﴾ وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كِبْرَ الْأِثْمِ وَالْفَوَاحِشِ وَإِذَا مَا

غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ ﴿٣٧﴾ وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٣٨﴾ وَالَّذِينَ إِذَا

أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ ﴿٣٩﴾ وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ

عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿٤٠﴾ وَلَمَنْ

انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَٰئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ ﴿٤١﴾

در درس گذشته شما را با ضرورت تشکیل حکومت اسلامی پس از رسول الله ﷺ آشنا کردیم. در این درس می‌خواهیم چگونگی انتخاب خلیفه پس از پیامبر خدا را مورد بررسی قرار دهیم.

خدای علیم و حکیم به پیامبر داناترین امر کرد که با یاران مخلص و وفادار خود مشورت کند. این نشان می‌دهد که دین دوست داشتنی ما با مشورت و توجه به رأی و فکر افراد عجین شده است؛ چون یکی از نعمت‌های با ارزش خداوند، نعمت عقل است و عقل چراغ راه مؤمن است. مؤمن با این چراغ فروزان در مسیر زندگی پاک خود پیش می‌رود و با اخلاص و مداومت در آن به انتهای راه (بهشت) می‌رسد.

شورا و جایگاه آن

شورا بر وزن فعلی، از ریشه شور، در لغت به دو معنا آمده است؛ اول یعنی کالا و متاعی که آشکار است و دوم به معنای برداشت عسل از کندو و محل آن، و در اصطلاح، کاری جمعی است که در آن اعضا در فکر انتخاب و برداشت نظر بهتر هستند؛ نظری که اکثریت، بر بهتر بودن آن اتفاق نظر دارند. استفاده از شورا، تصمیم را بی عیب و نقص می‌کند و مانع اعمال نظرات فردی می‌شود. شورا نوعی مشارکت جمعی است که در آن افراد صاحب نظر و خیرخواه با دقت و اخلاص در پی تصمیم‌گیری صحیح و انتخاب رأی برتر برای رفع نیازها و البته حل مشکلات هستند.

مشورت، ادراک و هشیاری دهد عقل‌ها مر عقل را یاری دهد

گفت پیغمبر بکن ای رایزن مشورت، کالمستشار مؤتمن^۱

قرآن کریم بر اصل شورا تأکید کرده است و خطاب به پیامبر اکرم می‌فرماید:

فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ [پیامبر] پس به واسطه رحمت الهی بود که با آنها [صحابه و سایر

مخاطبان] نرم خوش‌شدی

و اگر درشت‌خوی سخت دل بودی،

دیگران از اطرافت پراکنده می‌شدند.

بنابراین، [اکنون هم] آنان را ببخش

و برایشان آموزش طلب کن

و در کارها با آنها مشورت کن

و وقتی هم که تصمیم می‌گیری، بر خدا توکل کن.

چون قطعاً خداوند توکل‌کنندگان را دوست دارد.

و لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ

لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ

فَاعْفُ عَنْهُمْ

وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ

وَ سَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ

فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ^۲

تدبّر در قرآن

۱- در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران بیندیشید و نکاتی را که درباره رابطه حاکم اسلامی با مردم

است، استخراج کنید.

۲- حکمت امر کردن پیامبر به پرداختن به شورا و مشورت را بیان کنید.

۱- المستشار مؤتمن: حدیث نبوی است، یعنی هر که را مورد مشورت قرار می‌دهند، به او اعتماد می‌کنند. دو بیت بالا در مثنوی معنوی

دفتر اول ذکر شد و حدیث «المستشار مؤتمن» در سنن الترمذی، سنن ابن ماجه و سنن دارمی و مسند امام احمد آمده و صحیح است.

۲- سوره آل عمران، آیه ۱۵۹

البته آنجا که نص صریح قرآن یا حدیث وجود دارد، مشورت لازم نیست؛ مگر اینکه در کیفیت اجرا به مشورت نیاز باشد. برای مثال، انفاق در راه خدا با نصوص قرآنی ثابت است اما کیفیت انفاق می‌تواند با توجه به زمان و مکان و افراد تغییر کند؛ چنین است نظرخواهی پیامبر در موضوع کیفیت برخورد با مشرکان در جنگ احزاب و پذیرش مشورت سلمان فارسی رضی الله عنه در حفر خندق.^۱

یکی از سوره‌های قرآن کریم «شوری» نام دارد. در این سوره، بعد از بیان چند ویژگی مؤمنان و مجاهدان و خصوصیات قلبی و عملی آنها، به امر شورا تصریح شده است. ذکر شورا به عنوان یکی از صفات اصلی جامعه اسلامی (یعنی اقامه نماز و ادای زکات) و همچنین آمدن کلمه «امر» به صورت مطلق نیز در آیه زیر قابل توجه است.

* وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ
وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ
وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ
وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ^۳

و (مؤمنان) کسانی هستند که به (ندای) پروردگارشان پاسخ (مثبت) می‌دهند
و نماز بر پا می‌کنند
و کارشان در میانشان (بر اساس) مشورت است
و از آنچه که به آنها روزی داده‌ایم، پیوسته انفاق می‌کنند.

تدبّر در قرآن

با تدبّر در آیه ۳۸ سوره شوری، بگویید چرا مشورت کردن میان دو واجب «نماز» و «انفاق»^۴ ذکر شده است؟

توجه کنید که شورا، اصلی ثابت و تغییرناپذیر است اما از نظر وضع ظاهر، پیوسته دگرگون می‌شود و تنها کاردانان و اهل بصیرت مجازند که کیفیت آن را تغییر دهند.

۱- حدیث مشهور (مَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ شَيْئًا حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرٌ مِنْ عَمَلِهَا وَ أَجْرٌ مِنْ عَمَلِ بَآئِرٍ بِهَا بَعْدَهُ، مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْءٌ). که امام مسلم آن را روایت می‌کند، مستند علمای اسلامی برای اثبات این موضوع است (صحیح مسلم ۱۰۱۷؛ این حدیث را در کتاب‌های سنن ابن ماجه، النسائی، سنن الترمذی، سنن الدارمی و مستند امام احمد هم می‌یابیم، ضمناً این حدیث صحیح است).

۲- سوره شوری، آیه ۳۸

۳- همچنین توجه به این نکته لازم است که در آیات ۳۹-۳۶ شوری چند ویژگی از ویژگی‌های مؤمنان ذکر شده است اما در اینجا یعنی آیه ۳۸ از چهار ویژگی پذیرش دین خدا، اقامه نماز، شورایی بودن کارها و انفاق نام برده شده است.

۴- توجه کنید که انفاق لفظی عام و کلی است و انفاق واجب و مستحب را شامل می‌شود. انفاق واجب همان زکات مال و زکات بدن (فطر) و کفاره‌های مالی است و انفاق سنت یا مستحب، سایر بخشش‌هایی است که مؤمن به مستحقان روا می‌دارد.

عضویت در شورا

عموم مؤمنان و مسلمانان حق عضویت در شورا را دارند و بر همین اساس و در چارچوب قوانین و مقررات اسلامی طرف مشورت قرار می‌گیرند، اما چون اجتماع و نظرخواهی همه مردم همواره ممکن نیست، از گذشته روش‌های مختلفی برای شورا به کار گرفته شده است و طبعاً هنوز هم به کار می‌رود. مثلاً مردم افرادی را که در میان آنان به صداقت، امانت‌داری و تقوا و علم مشهورند، به عنوان نماینده انتخاب می‌کنند تا در مسائل خاص اظهارنظر و تصمیم‌گیری کنند. شرط اصلی چنین انتخاب‌هایی، آگاهی و آزادی انتخاب‌کنندگان است تا بدون اغفال و سوء استفاده افراد ناباب و در آزادی کامل، فرد مناسب و مورد نظر خود را انتخاب کنند.

نمونه‌یابی

امروزه نمونه‌های مختلفی از شورا را در شهر و حتی محیط آموزشی می‌بینیم. چند مورد از آنها را نام ببرید و توضیح دهید که در هر کدام درباره چه مسائلی مشورت می‌شود.

بنا بر آنچه گذشت، حکومت پس از رسول خدا ﷺ به شکل خلافت و شورایی ادامه پیدا کرد. اینجا به شرح خلافت و چگونگی انتخاب و ادامه آن می‌پردازیم. خلفای راشدین برگزیدگانی از صحابه بزرگ پیامبر ﷺ بوده‌اند که با تکیه بر نظام شورایی خلافت، نظامی عادل و شریف را به امت اسلامی و بلکه به جهانیان تقدیم کرده‌اند.

خلافت

خلافت به معنای جانشینی است. کسی که پس از رسول الله ﷺ عهده‌دار حکومت اسلامی می‌شود خلیفه نام دارد؛ چون ادامه‌دهنده راه رسول الله ﷺ است و پس از آن بزرگوار، اجرای دین و احکام الهی را در جامعه بر عهده دارد. نظام مبتنی بر شورا (که در صدر آن خلیفه قرار دارد) خلافت نامیده می‌شود. براساس حکم قرآن و سنت، پیروی از خلیفه و اطاعت از صاحبان امر خلافت، واجب است؛ البته در صورتی که حکم خلیفه و نظام خلافت اسلامی براساس قرآن و سنت باشد. توجه به این نکته لازم است که خلیفه خود یکی از اعضای شورای خلافت است و عنوان خلیفه نباید دستاویزی برای خودمحموری او شود.

راه انتخاب خلیفه

بنابر دیدگاه اهل سنت، بعد از رحلت پیامبر ﷺ مهاجرین و انصار بنابر تکلیف دینی، سرپرستی امت اسلامی را برعهده گرفتند. آن بزرگواران طبق آیه (وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ) و نیز بنابر سنت نبوی که در کیفیت انجام امور مشورت می‌کردند شورایی تشکیل دادند. بعد از شور و بررسی سرانجام اولین خلیفه یعنی ابوبکر صدیق رضی الله عنه را به عنوان خلیفه برگزیدند و سایر مسلمانان نیز با منتخب شورای مهاجرین و انصار بیعت کردند.^۱ با توجه به توصیف قرآن از جامعه ایمانی، شاخصه اصلی حکومت اسلامی شورایی بودن آن است. به همین سبب، محور تعیین اولوالأمر، شورا است اما کیفیت شورا (همان‌گونه که گذشت) بنا به شرایط و حالات، متفاوت است و تغییر می‌کند.

مهم‌ترین شرایط لازم برای خلیفه

چون خلافت با دین خدا و سرنوشت مردم ارتباط اساسی و تنگاتنگ دارد، هر کسی توانایی و لیاقت پذیرفتن چنین مسئولیتی را ندارد. مهم‌ترین شرایط لازم برای خلیفه شدن، موارد زیر است:

۱- خلیفه باید مسلمان و مؤمن باشد؛ چون غیر مؤمن نباید بر مقدرات مؤمنان سیطره و حکومت پیدا کند. این شرط نباید ستم به غیرمسلمانان تلقی شود؛ چون همان‌گونه که گفتیم، حق کامل این افراد در تمام زوایای زندگی محفوظ است و آنچه مانع خلیفه شدن آنهاست، بنای اسلامی خلافت است که باید توسط شخص مسلمان اداره شود.

۲- خلیفه باید عالم به دین باشد و بتواند با قدرت اجتهاد و استنباط، احکام دین را از منابع اسلامی استخراج کند و پاسخ مسائل جدیدی را که در دنیای امروز مطرح می‌شود، با مراجعه به کتاب و سنت به دست آورد.^۲ البته این شرط به آن معنا نیست که همه اجتهادات توسط خود شخص خلیفه صورت می‌گیرد.

این مهم از آیه ۸۳ سوره نساء فهم می‌شود:

«وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَا فَضْلَ لِلَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَا تَبْعَثُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا»^۳

«و هنگامی که خبری از موجبات ترس و نترسیدن به آنها می‌رسد، [بدون تحقیق] آن را شایع می‌سازند؛ در حالی که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان و فرمانده‌هایشان (که قدرت تشخیص کافی دارند) بازگردانند، کسانی که اهل استنباط و فهم مسائل هستند، (چاره آن مشکلات را) می‌فهمند و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، (جز عده کمی) همگی از شیطان پیروی می‌کردید [و گمراه می‌شدید]».

۱- اتمام الوفاء فی سیره الخلفاء: محمد الخضری. نشر دارالفکر بی‌تا.

۲- باز هم توجه کنیم که این ویژگی بی‌حرمتی به غیرعلم نیست؛ چون لازمه ساختار خلافت و کنترل آن علم و آگاهی است.

۳- سوره نساء، آیه ۸۳

در این آیه، خداوند از افرادی که اخبار مختلف را بدون صلاح‌دید پیامبر ﷺ و آگاهان امت و طبعاً بدون ملاحظهٔ مصلحت پخش می‌کنند، انتقاد می‌کند و پرداختن به چنین موضوعاتی را به مطرح کردن آنها در محضر پیامبر ﷺ و صاحب نظرانی موکول می‌نماید که می‌توانند مطالب را از قرآن استنباط کنند.

۳- خلیفه باید متقی و به خصوص عادل باشد و بر اساس عدالت بر مردم حکومت کند؛ طوری که از اقتدارش سوءاستفاده نکند و از تبعیض و ستم دوری نماید. او باید با ظلم در تمام اشکال قومی، طبقاتی و مذهبی مبارزه کند؛ زیرا همانند تمام حکومت‌ها، در گسترهٔ حکومت اسلامی ترکیبی از مردمانی زندگی می‌کنند که دارای قومیت‌ها، مذاهب و مشاغل متفاوت‌اند. در ضمن، افراد پیر و ناتوانی هم وجود دارند که قادر به کسب درآمد نیستند و نمی‌توانند نیاز معیشتی خود را برطرف کنند. وجود این طبقات، به‌ویژه طبقهٔ اخیر، نیاز به تقوا و عدالت را در خلیفه لازم و ضروری می‌نماید.^۱

اهداف خلافت اسلامی

خلافت اسلامی، به عنوان حکومتی پاک و نمونه، در پی رسیدن به اهدافی والاست. در اینجا به دو هدف از این اهداف والا اشاره می‌کنیم:

- ۱- تبیین، تبلیغ و پیاده کردن صحیح دین
- ۲- برقراری نظم اجتماعی و ایجاد رفاه عمومی^۲

سه راهکار مهم برای رسیدن به اهداف خلافت اسلامی

نظام خلافت برای تحقق اهداف والای خود باید با استفاده از راهکارهای شرعی و مردمی، اقدامات زیر را انجام دهد:

- ۱- با مردم (به خصوص اهل نظر و علم و دانش) مشورت کند و از نظرات آنها بهره‌بردار
- ۲- مردمی باشد و مانند آنان زندگی کند
- ۳- بر کارگزاران^۳ حکومتی و عملکرد آنها نظارت کند^۴

۱- گرچه در اصطلاح اهل علم به کسی هم که از گناهان کبیره دوری می‌کند و به فضایل اخلاقی آراسته و مقبولیت تقوایی دارد عادل می‌گویند.

۲- البته روش عملی حکومت خلفای راشدین نشان می‌داد که آن بزرگواران تمام هم‌تشان مصروف این بود که ابتدا تمامی آحاد مردم را از فقر نجات دهند و برای همگان رفاه عمومی را فراهم کنند و سپس دین را در زندگی فردی و اجتماعی مردم احیا نمایند.

۳- کارگزاران همان مدیران و مسئولان جامعه‌اند که قوای قانون‌گذاری و اجرایی قضایی را تشکیل می‌دهند.

۴- محاکمهٔ پسر کارگزار مصر در زمان امیرالمؤمنین عمر و قصاص گرفتن از او یکی از زیباترین مصادیق این بند است.

نقش مردم در حکومت اسلامی

پایه‌های حکومت اسلامی بر پذیرش مردم استوار است؛ لذا هرگاه مردم به توحید و نبوت رسول الله ﷺ ایمان بیاورند، خود به خود جامعه اسلامی تشکیل می‌شود و تشکیل جامعه اسلامی مقدمه تشکیل خلافت اسلامی است. به همین جهت، لازمه اقتدار حاکم اسلامی مقبولیت از جانب مردم است. در این صورت، خلیفه می‌تواند برنامه‌های خود را به اجرا درآورد و مردم را در جهت اهداف ایمانی به فعالیت و کار و تلاش، تشویق کند. اگر خلیفه مورد قبول مردم نباشد، حکومت به سمت استبداد حرکت خواهد کرد و از مردم جدا خواهد شد و در مواقع سخت، مردم از آن پشتیبانی نخواهند کرد. بنابراین، باید همواره رابطه‌ای عاطفی میان حاکم جامعه اسلامی و مردم وجود داشته باشد تا مردم، حاکم را از خود بدانند و از او حمایت کنند.^۱

تعامل حکومت اسلامی با دیگر حکومت‌ها

حکومت اسلامی رابطه خود را با سایر حکومت‌ها بر اساس موازین اسلامی تنظیم می‌کند. بر این اساس، با کشورهایی که روابط عادلانه متقابل را رعایت کنند، رابطه حسنه و مسالمت آمیز برقرار می‌کند و در مقابل، در برابر کشورهایی که بخواهند به سرزمین اسلامی یا منافع آن تجاوز نمایند، محکم و با شجاعت می‌ایستد و مقابله می‌کند و به هیچ حکومتی اجازه نفوذ و دخالت در چارچوب حکومت اسلامی را نمی‌دهد.

بیشتر بدانیم

رابطه متقابل مردم با خلیفه مسلمانان

نظام اسلامی همان‌طور که بدون خواست و پذیرش مردم شکل نمی‌گیرد، بدون دخالت و حمایت مردم نیز تداوم نمی‌یابد. و مردم باید برای دوام و رشد و پیشرفت آن در همه ابعاد زندگی تلاش کنند. آنان حتی وظیفه دارند به خلیفه و کارگزاران او نصیحت کنند و با تذکرات خود، آنها را در مسئولیت‌هایشان یاری دهند و مشاورانی دلسوز برای آنان باشند. خلیفه و امام مسلمانان نیز باید نسبت به همه مردم مهربان باشد، راه استبداد را در پیش نگیرد، با مسلمانان مشورت کند و بداند که خداوند بر او حاکم و ناظر است. خلیفه باید عدل را، که مهم‌ترین وظیفه حکومت است، در جامعه گسترش دهد و میان مردم بر اساس عدل و داد حاکمیت کند.

۱- سعدی شیرین سخن در این باره می‌گوید :

درخت، ای پسر، باشد از بیخ سخت
وگر می‌کنی، می‌کنی بیخ خویش

رعیت جو بیخ‌اند و سلطان درخت
مکن تا توانی دل خلق ریش

باید رضایت عمومی را بر رضایت خواص و نزدیکان ترجیح دهد، با افراد شجاع مشورت کند، نیکوکار را تشویق و بدکار را سرزنش نماید، پاسدار رفاه ویژه برای طبقات محروم و مستضعف جامعه باشد، به وضع آنها رسیدگی کند و کارهای فراوان حکومت مانع رسیدگی او به امور مردم نشود. به علاوه، در مقابل مردم مستضعف متواضع و فروتن باشد و آنها را نزدیک ترین طبقات به خود بداند، در اجرای قوانین و حدود الهی تحت تأثیر هیچ کس واقع نشود و دین خدا را با شجاعت، در جامعه اجرا کند. البته رسیدگی به امور فقرا نباید موجب آن شود که خلیفه نسبت به سایر طبقات مردم بی اعتنا باشد و یا در حق آنان ستم کند.^۱

اندیشه و تحقیق

- ۱- تأثیرات شورا را در موفقیت حکومت اسلامی توضیح دهید.
- ۲- رابطه حکومت اسلامی در برخورد با سایر حکومت‌ها بر چه اساسی است؟
- ۳- با تأمل در اهداف خلافت و حکومت اسلامی، بیان کنید که خلیفه و حاکم اسلامی چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

۱- یکی از نمونه‌های زرین برخورد زیبای حاکمان اسلامی با توده مردم، به ویژه مردم فقیر، ماجرای مشهور ابتدای خلافت امیرالمؤمنین عمر رضی الله عنه است. در تواریخ آمده است که ایشان برای مردم صحبت می‌کردند. در ابتدای سخنانشان فرمودند: «ای مردم، اگر از من کزی و انحرافی از راه درست دیدید به من گوشزد کنید». ناگهان مردی اعرابی از میان مردم برخاست و شمشیر کشید و گفت: «به خدا قسم ای عمر، اگر از راه صواب و حق کناره بگیری، با این شمشیر کجم تو را راست خواهم کرد.» مردم سکوت کردند و منتظر عکس العمل خشم‌آلود خلیفه بودند، امیرالمؤمنین عمر با تواضع فراوان فرمود: «الحمد لله الذی جعل فی امة محمد من یتستقیم اعوجاج عمر بسیفه...»؛ سپاس خدایی راست که در امت محمد کسی را قرار داده است که کزی عمر را با شمشیرش راست می‌کند.